

## پاسخ به شبهات منتخب جنگ ۱۲ روزه / گروه سیاست\*

### اشاره

فصلنامه پاسخ با توجه به رسالت مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) یک بخش از نشریه را به درج تعدادی از پرسش‌ها و شبهات مطرح در موضوعات مختلف که در گروه‌های علمی این مرکز بررسی و پاسخ‌داده شده اختصاص می‌دهد. در این بخش به‌اختصار حاصل برخی از این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران محترم و مخاطبان عزیز نشریه پاسخ ارائه می‌گردد.

### ورود اسلام و نابودی تمدن ایرانی

اول. ورود دین اسلام به ایران، موجب نابودی فرهنگ و تمدن ایرانی شد. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب سه قرن سکوت، به خوبی نشان داده است که اعراب مسلمان، بسیاری از مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی را از بین بردند.

الف) این شبهه و شبهات همسو، معمولاً از سوی جریانهای ملی‌گرای افراطی مطرح می‌شود؛ شبهاتی که با ارائه تصویری رویایی و خیال‌انگیز از ایران باستان و تصویری دراماتیک از دوران اسلامی، کوشش می‌کند، چنین نشان دهد که ایران پیش از ورود اسلام، در اوج تمدن و فرهنگ بوده و با ورود اسلام به ایران، همه شکوه و عظمت ایران از بین رفته است؛ درحالی‌که تاریخ ایران پیش و پس از ورود اسلام از این حکایت دارد که نه ایران در زمان ساسانیان، در اوج تمدن بوده و نه ورود اسلام، موجب نابودی تمدن و فرهنگ

---

\*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)، گروه سیاست.

اسلامی شده است. دکتر زرین کوب، اگرچه در کتاب سه قرن سکوت و تحت تأثیر جریانهای ملی‌گرا، و بدون تحقیق جامع درباره مناسبات ایران و اسلام، ورود اسلام را موجب افول تمدن ایرانی معرفی کرده بود، لیکن، بعدها و پس از تحقیقات جامع‌تر و کامل‌تر، کتاب‌های بامداد اسلام، کارنامه اسلام و تاریخ ایران پس از اسلام را نگاشت و از دیدگاه‌های نخستین خود درباره مناسبات اسلام و ایران دست برداشت. شهید مطهری در کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران به همه شبهات زرین کوب در سه قرن سکوت پاسخ داده است.

ب) ورود دین اسلام به ایران، نه تنها موجب افول تمدن و فرهنگ ایرانی نشد، بلکه به سبب ظرفیت‌های بی‌نظیر فرهنگ اسلامی، باعث شکوفایی و تکامل تمدن و فرهنگ ایرانی شد. کشور ایران دارای تمدن بسیار کهنی است و در هنگام ظهور اسلام، یکی از دو قدرت بزرگ آن دوران محسوب می‌شد. با ورود دین اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان، تمدن ایرانی که در دوران ساسانیان رو به افول نهاده بود، جانی تازه گرفت. در دوران پیش از ورود اسلام، به سبب وجود قوانین و نظامات طبقاتی، بسیاری از انسانهای بااستعداد، از علم‌آموزی محروم بودند؛ به همین علت، تاریخ ایران، پیش از ورود اسلام، شاهد پدید آمدن دانشمندان، هنرمندان و اندیشمندان بزرگی نبوده است. اما پس از ورود اسلام، که منادی عدالت، برابری و کرامت انسانی بود، دانشمندان برجسته‌ای از میان عموم مردم ظهور کردند، که هر یک نقشی مهم در پیشرفت علم و فرهنگ جهانی ایفا کردند. از این شمار می‌توان به دانشمندانی نامدار، چون ابن‌سینا، فارابی، خوارزمی، محمدبن زکریا رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوریحان بیرونی، ابن‌هیثم، جابر بن حیان و شاعرانی برجسته مانند فردوسی، عطار، خیام، مولوی، حافظ و سعدی اشاره کرد که همه محصول و مولود تمدن و فرهنگ ایرانی پس از ورود اسلام هستند.

علاوه بر این مرکز علمی جندی‌شاپور، قبل از ورود اسلام، از وجود استادان و دانشجویان کوشایی برخوردار بود که در زمینه‌های گوناگون علمی به تحقیق، تعلیم و تعلم مشغول بودند، در دوره اسلامی، با قوت و قدرتی بیشتر به حیات خود ادامه داد. تنها در رشته پزشکی، شمار پزشکان درجه اول تاریخ پزشکی جهان، پس از ورود اسلام، چند ده برابر بیشتر از دوران قبل از اسلام بوده است. پزشکان بزرگی مانند محمدبن زکریای

رازی، ابن سینا، ابوماهر شیرازی، ابوالحسن طبری، علی بن عباس اهوازی، ابن مندویه اصفهانی، سید اسماعیل جرجانی، ابن ابی صادق نيسابوری، ابن الیاس شیرازی، ابن نفیس دمشقی و ابوالقاسم زهرای (یکی از بزرگترین جراحان تاریخ پزشکی)، ابن جزار قیروانی، بهاءالدوله رازی، زین العطار شیرازی و عقیلی، پزشکان نام آوری هستند که در دوران اسلامی پرورش یافته و به بشریت خدمت کرده‌اند. کارنامه اسلام در خدمت به ایران، کارنامه‌ای بسیار موفق و برجسته است که هیچ انسان آگاه و منصفی نمی‌تواند آن را انکار کند.

ج) امروز هم ایران اسلامی، با وجود مانع‌تراشی‌ها، تحریم‌ها و دشمنی‌های بدخواهان در مسیر بالندگی و پیشرفت درون‌زا قرار دارد. کشور ایران، اکنون به برکت اسلام، جمهوری اسلامی و تلاش فرزندان برومندش، به‌عنوان کشوری مستقل، مقتدر و پیشرفته شناخته می‌شود. کشور ما امروز با وجود همه تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی، در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری‌های نوین، در میان چندین کشور برجسته جهان قرار دارد. به‌راستی اگر ایران در مسیر پیشرفت و بالندگی علمی، فنی و فرهنگی و زمینه‌ساز احیای تمدن ایرانی اسلامی نبود، دشمنانش او را به حال خود رها نمی‌کردند؟!

### جدا شوید

دوم. طرفداران اسرائیل و نیز رسانه‌های غربی می‌گویند اگر مردم ایران راه خود را از سپاهیان و مسئولین کشور جدا کنند، در امان می‌مانند.

یک: باید از این افراد خام‌اندیش و نادان پرسید که مگر سپاهیان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی غیر از همین مردم ایران‌اند؟! مسئولان سیاسی و نظامی کشور برادران و خواهران خود ما هستند. مگر مسئولان بلندپایه سیاسی و نظامی کشور جز حفظ استقلال و عزت کشور و منافع مردم هدف دیگری دارند؟! چرا مردم ایران باید خود را از رهبران و مدیران کشور جدا بدانند و با متجاوزانی که کشور آنان را هدف تجاوز قرار داده‌اند، همراهی کنند و پشت سربازان کشور خود را خالی نمایند؟! این تبلیغات مسموم، نوعی جنگ شناختی شدید و پیچیده است و هدف آن ایجاد شکاف و دوگانگی میان مردم و رهبران کشور است تا خود مردم کشور علیه رهبران و سربازان وطن برخاسته و کشور خود را ضعیف، ذلیل و آسیب‌پذیر کنند.

دو: در حملات تبهکاران صهیونی به کشور، زنان و کودکان زیادی به شهادت رسیدند که

حتی با نظام سیاسی کشور همراهی نداشتند. حتی برخی از حامیان فتنه زن زندگی آزادی نیز در میان شهیدان بودند. آیا موشک‌ها، بمب‌ها و پهپادهای انتحاری دشمن می‌تواند میان موافقان و مخالفان نظام تفکیک قائل شود و هوشمندانه فقط موافقان را هدف قرار دهد؟! و آیا اساساً دشمن متجاوز خواهان چنین چیزی است؟ دشمن صهیونی می‌خواهد کشور و ملت ایران را از هم فروپاشاند و در این میان البته به مخالفان نظام دلبسته است که آنان خودشان علیه کشور خویش عمل کنند، اما وقتی با جنگنده و موشک حمله می‌کند، هدفش تنها کشتار و جنایت است و برای او فرقی نمی‌کند چه کسانی کشته و مجروح می‌شوند. نکته دقیق‌تر آنکه اگر در این حملات، مخالفان نظام کشته شوند، از لحاظ روانی مؤثرتر است تا موافقان نظام. زیرا کشته شدن مخالفان نظام، خانواده‌های آنان را برای تحت فشار قرار دادن نظام مصمم‌تر و خشمگین‌تر می‌کند!

سه: اکنون تجربه لبنان و فلسطین پیش چشم ما است. آیا رژیم صهیونی تنها آن دسته از مردم فلسطین را کشت که طرفدار حزب‌الله و حماس بودند؟! یا اینکه حتی بسیاری از مردمی که با مقاومت لبنان و فلسطین همراه نبودند را نیز کشته و آواره کرد؟! به خوبی می‌دانیم که هم در لبنان و هم در فلسطین، بسیاری از مردم طرفدار مقاومت نیستند؛ با این وجود همین مخالفان نیز همواره مورد تهاجم و جنایت صهیونیست‌ها بوده‌اند.

ایگال مالکه، از چهره‌های رسانه‌ای حامی نتانیاهو در کانال شخصی‌اش، صوتی از مردخای کدار، افسر سابق اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و تحلیلگر امنیتی وابسته به جناح راست‌گرای اسرائیل را با عنوان «مردخای کدار در نشست با کارشناسان رسانه» قرار داده است. کدار در این فایل صوتی از ناتوانی رژیم صهیونیستی در پیروزی نظامی بر ایران پرده برداشت و راه نجات اسرائیل را تحریک مردم ایران به شورش خیابانی علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده است. کدار، که سال‌ها در بخش اطلاعات ارتش اسرائیل (امان) فعالیت داشته، در نشستی با عنوان «چالش ایران»، تصریح کرد: «سؤال می‌کنند که چرا من اصرار دارم مردم ایران را به خیابان بکشانیم؟ چون باید واقع‌بین بود. ما به تنهایی نمی‌توانیم بر ایران پیروز شویم. این کار غیرممکن است». کدار اذعان می‌کند که ایران، نه غزه است و نه حزب‌الله؛ بلکه یک حکومت مستقر، با قدمتی ۵۰ ساله، دارای وسعت و زیرساخت‌های

گسترده است و از همین رو، گزینه نظامی به‌تنهایی کارساز نخواهد بود».

ما ملت ایران باید بدانیم که دشمنی رژیم جنایتکار صهیونی تنها با جمهوری اسلامی نیست و این رژیم دشمن ایران و ایرانی است و صرف‌نظر از وظیفه انسانی و اسلامی، از منظر منافع ملی نیز مقابله با آن رژیم تبهکار برای همه ایرانیان ضروری و واجب است.

**چهار:** شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رژیم غاصب و خونخوار اسرائیل در

سودای تسلط بر همه منطقه خاورمیانه است و نه مقابله با جمهوری اسلامی ایران.

الف) شعار اسرائیل بزرگ؛ از نیل تا فرات، یکی از شعارهای اساسی رژیم صهیونیستی است و بیانگر روحیه تجاوز و توسعه‌طلبی آن رژیم غاصب است. اگر جبهه مقاومت فلسطین و لبنان آن رژیم را در مرزهای خود خوانده و جعلی محصور نمی‌کرد، تاکنون بسیاری از کشورهای منطقه را اشغال کرده بود و ما باید برای حفظ امنیت و تمامیت سرزمینی خودمان با اسرائیل در مرزهای کشورمان و با هزینه‌هایی به مراتب بیشتر و سنگین‌تر مقابله می‌کردیم. هدف اساسی رژیم صهیونیستی، ایجاد اسرائیل بزرگ از لحاظ اقتصادی و مالی است تا جایی که بتواند بر دیگر کشورهای منطقه حکمرانی کند. همین امروز این رژیم بخش‌هایی از کشور اردن و سوریه را در اشغال خود دارد. لبنان هم سالیانی در اشغال آن رژیم بود و با جهاد مقاومت حزب‌الله مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد. رژیم متجاوز اسرائیل چونان حیوان درنده‌ای است که اگر رها شود، به تمام منطقه راهبردی غرب آسیا دست‌اندازی خواهد کرد.

ب) بیشتر رسانه‌های بزرگ جهان در اختیار رژیم صهیونی قرار دارد. این رسانه‌ها با حجمی فراوان از تبلیغات سیاسی، فکری، ضدفرهنگی و ترویج ابتذال، به دنبال تخریب فرهنگ دینی و هویت ملی جوامع دیگر، به‌ویژه جامعه ایران هستند. فعالیت‌های شبانه‌روزی و پرهزینه شبکه‌های فارسی‌علیه کشور و مردم ایران، تنها گوشه‌ای از تلاش خبیثانه رژیم صهیونی در راستای دشمنی با ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی است. مسئله آنها جمهوری اسلامی و اسلام نیست، مسئله اصلی آن‌ها نابودی هویت اسلامی و ایرانی است. ج) تلاش مستمر برای ایجاد ناامنی در کشور توسط گروهک‌های خودفروخته و همراهی و حمایت از گروهک‌های تجزیه‌طلب در شهرهای مرزی و خارج از مرزهای

کشورمان، در کردستان عراق، آذربایجان، ... همواره جزو برنامه‌های راهبردی رژیم غاصب بوده است که در بسیاری از موارد به کشته و زخمی شدن بسیاری از هموطنانمان منجر شده است.

د) برگزاری هرساله جشن «پوریم» توسط صهیونیست‌ها، نمونه‌ای آشکار از دشمنی با ایران و ایرانی است. صهیونیست‌ها هرساله جشنی را با نام «پوریم» برگزار می‌کنند. پوریم برگرفته از کلمه عبری «پور» به معنای قرعه، جشن موسوم به ایرانی‌گشی است. پایه داستانی این جشن در «تورات» است و در آن از «استر»، زنی یهودی تحسین می‌شود که با خیانت به «خشایارشاه»، پادشاه ایرانی، سبب خشونت مرگبار علیه مردم ایران می‌شود. در آن فاجعه خونبار، ۷۰ هزار نفر از ایرانیان، اعم از زنان و کودکان، با بی‌رحمی کشته می‌شوند و اموالشان به غارت می‌رود.

درحالی‌که براساس این روایت، ۲۶ قرن از قتل‌عام ایرانیان می‌گذرد، یهودیان همچنان نسل‌گشی ایرانیان را با پوشیدن لباس‌هایی مانند شخصیت‌های داستان و بازی کردن نقش جنایتکاران، جشن می‌گیرند.

### دشمن‌شناسی

سوم. دشمن‌شناسی چیست و چگونه دشمن‌شناسی خود را ارتقا دهیم و به دیگران هم کمک کنیم تا دشمنان را بهتر بشناسند؟

الف) دشمن‌شناسی به معنای شناخت عواملی است که در جهت نابودی یکی از ابعاد وجودی و کمالی انسان فعالیت می‌کنند. هر موجودی، اعم از انسانها و جنیان، که برای از بین بردن حیات، سلامتی، تفکر، احساس و دیگر دارایی‌های مادی و معنوی انسان، فعالیت می‌کند، دشمن انسان به‌شمار می‌رود. دشمنان انسان، به دو گروه دشمنان درونی و دشمنان بیرونی تقسیم می‌شوند؛ همچنانکه دوستان انسان نیز به دو گروه دوستان درونی و دوستان بیرونی تقسیم می‌گردند.

ب) دشمنان درونی انسان، اندیشه‌های باطل، ارزش‌های شیطانی، اهداف غیرمشمروع، آرزوهای باطل و درازدامن، اخلاقیات نکوهیده و نقطه‌ضعف‌هایی مانند ترسویی، بخل، آز، حسادت است که هرکدام در مسیر سعادت دنیا و آخرت انسان مانعی ایجاد می‌کنند.

دشمنان بیرونی معمولاً با سوءاستفاده از دشمنان درونی، بر انسان مسلط می‌شوند و به اهداف نامشروع خود دست پیدا می‌کنند.

دشمنان بیرونی انسان، عبارت‌اند از برخی از انسانها و جنیانی که برای رسیدن به اهداف و خواست‌های نامشروع و نامطلوب خود از امکانات وجودی انسان بهره‌برداری کرده و انسان را ایزاری برای رسیدن به اهداف خود قرار می‌دهند. دشمنان بیرونی، نخست به دنبال بهره‌جویی از انسان هستند، اما اگر انسان را مانعی بر سر راه اهداف خود ببینند، برای نابودی او اقدام خواهند کرد.

ج) شناخت دشمنان درونی و دشمنان بیرونی، بسیار مهم است و غفلت از شناسایی و مقابله با هر کدام، پیامدهای ویرانگری برای فرد و جامعه به دنبال دارد؛ همچنانکه شناخت دوستان درونی و دوستان بیرونی هم بسیار مهم است. شناخت دوستان درونی و بیرونی به انسان کمک می‌کند تا از ظرفیت وجود آنان برای رشد، کمال، بالندگی و سعادت خود و در امان ماندن از گزند دشمنان درونی و بیرونی کمک بگیرد.

اگر دشمنان بیرونی را به خوبی نشناسیم، نه تنها نمی‌توانیم در مقابل آنان بایستیم و از دارایی‌های مادی و معنوی خود از گزند آنان محافظت کنیم، بلکه ممکن است ناخواسته، به ایزاری در دست آنان تبدیل شویم و خدمت به دشمنان و فدا شدن در راه تمایلات و اهداف پلید آنان را برای خود امتیازی بدانیم.

اگر دشمنان درونی خود را نشناسیم، از درون و به صورت پنهان و ناآگاهانه آسیب خواهیم دید. کسی که از اندیشه‌ها، اخلاقیات، تمایلات، ارزش‌ها و هدف‌های باطل و غیرالهی در وجود خود آگاه نباشد، یقیناً از سوی همین عوامل، ضربه خواهد خورد. همه کسانی که راه انحراف و نابودی را انتخاب می‌کنند و به دشمنان بیرونی خود برای نابودی خویش کمک می‌رسانند، نخست از سوی دشمنان درونی خود آسیب می‌بینند. مثلاً کسی که راحت‌طلبی و لذت‌جویی را هدف زندگی خود می‌پندارد و همواره از درد، سختی و مشقت فرار می‌کند، هرگز تاب و توان مقاومت در برابر دشمن بیرونی را ندارد و یقیناً برای فرار از سختی هم‌آوردی با دشمن بیرونی، به انفعال، وادادگی و خواری در برابر او تن می‌دهد.

د) راه شناخت دشمن درونی، مطالعه و تفکر درباره خویشتن است. انسان باید همواره

درباره اندیشه‌ها، تمایلات، اهداف، ارزش‌ها، رفتارها، خلیقات و نگرش‌های خود بیانید و آن را به بوته نقد و محک آزمایش بسپارد. مطالعه و تأمل در معارف و آموزه‌های قرآن کریم، سنت و سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام و آموزه‌های حکیمان و معلمان اخلاق و بررسی و تطبیق ابعاد شخصیتی خود با آن معارف و آموزه‌ها، بهترین روش برای شناسایی و مبارزه با دشمنان درونی است. البته که در این راه از وجود مربی حکیمی که دانش خودشناسی و حکمت تمییز حق از باطل را به ما بیاموزد، بی‌نیاز نخواهیم بود. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «هَلَّاكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ»: هرکسی معلم حکیمی که او را ارشاد کند، ندارد، هلاک می‌شود.

راه شناسایی دشمنان بیرونی، مطالعه تاریخ و آگاهی از اتفاقاتی است که در زمان، در حال رخ دادن است. انسانی که با خواندن تاریخ، از فراز و فرودهای ملت‌ها، دولت‌ها و اقوام گذشته آگاه می‌شود و آنچه به آنان در راه تکامل و موفقیت کمک کرده و آنچه مانع پیشرفت و موفقیت آنان شده را باز می‌شناسد، در حقیقت، گامی برای شناسایی دوستان و دشمنان خود برمی‌دارد. سنت‌ها و قانون‌های تاریخ، همواره ثابت است و تنها، شکل‌ها و قالب‌ها تغییر می‌کند. همچنین توجه به رخدادهایی که پیرامون انسان در حال جریان است و بازشناسی اختلاف‌ها و ائتلاف‌هایی که در صحنه جامعه و جهان وجود دارد، به انسان کمک می‌کند تا دوستان و دشمنانش را بهتر شناسایی کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»: آن‌کس که از زمان خود آگاه است، شبهه‌ها بر او هجوم نمی‌برد.

همچنین داشتن راهنمایان و راهبرانی که به فهم، درک، آگاهی، توان تفکر و خیرخواهی آنان اعتماد داریم، به ما کمک می‌کند تا در هنگام هجوم شبهه‌ها و شایعه‌ها، راه، هدف و ملاک تمایز میان دوست و دشمن را گم نکنیم و در صحنه عمل نیز بتوانیم دشمنان را از دوستان تشخیص دهیم. بدیهی است که بسیاری از ما با توجه به ناکافی بودن دانش و اطلاعاتمان از رویدادهای جاری در جامعه و جهان، به آسانی نتوانیم دوست را از دشمن جدا کنیم. در چنین شرایطی، رجوع به سخنان و مواضع امام خمینی و رهبری معظم انقلاب، که هم به تاریخ ایران و اسلام و هم به اتفاقات در حال جریان در جامعه و جهان اشراف دارند، و نیز کسانی که توسط امام و رهبری تأیید می‌شوند، می‌تواند به ما در تشخیص راه درست از بیراهه و دوست از دشمن کمک کند.

(و نکته بسیار مهمی که برای شناسایی دشمنان می‌تواند به همه احاد ملت کمک کند، آن

است که اولاً تا حد امکان برای گرفتن اخبار و اطلاعات، به رسانه‌های معاند با جمهوری اسلامی، رجوع نکنیم و اگر به آنان رجوع کردیم، اعتماد نکنیم و حتماً به رسانه‌های داخلی، به‌ویژه صداوسیما جمهوری اسلامی هم مراجعه کنیم. امروز که رژیم سفاک صهیونی به کشور ما تجاوز کرده و در حال ضربه زدن به مردم و کشور است، هر فرد و رسانه‌ای که علیه کشور و ملت ایران و به سود و در حمایت آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کند، دشمن ملت و کشور ایران است.

### چرا جنگ؟

چهارم. جنگ رویدادی پلید و زشت است. جنگ، موجب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه می‌شود؛ بنابراین باید از هرگونه جنگی بپرهیزیم و تنها برای صلح و آشتی تلاش کنیم. الف) جنگ بر دو نوع جنگ متجاوزانه و جنگ دفاعی تقسیم می‌شود. جنگ متجاوزانه آن است که گروهی از انسان‌ها، با انگیزه‌هایی نامشروع (از لحاظ عقل و دین)، برای رسیدن به اهدافی نامشروع، به سرزمین یا منافع مادی و معنوی گروهی دیگر از انسان‌ها هجوم ببرند و با روش‌هایی خشونت‌آمیز از قبیل کشتن، مجروح کردن، ویران کردن و به اسارت گرفتن، گروه دوم را به پذیرش خواسته‌های خود مجبور سازند. چنین جنگی نه تنها برخلاف حکم عقل و فطرت انسان است بلکه از لحاظ اخلاقی و عاطفی هم بسیار زشت و پلید است. اما اگر گروه دوم، یعنی گروهی که به سرزمین یا منافع آنان حمله شده، به‌پا خیزند و با کشتن، مجروح کردن، ویران کردن و به اسارت گرفتن گروه اول، از خودشان و منافع‌شان دفاع کنند و دشمنان‌شان را به عقب برانند، چنین جنگی نه تنها زشت و پلید نیست، بلکه بسیار زیبا و مطابق با حکم عقل و وجدان انسانی است. عقل و عقلا کسانی را که در برابر دشمنان متجاوز، سستی و کوتاهی کنند و با وجود توانایی برای دفع تجاوز دشمن، از خود دفاع نکنند تا دشمن بر آنان مسلط شده و حیات و منافع‌شان را از بین ببرد، نکوهش می‌کنند. بسیاری از زیبایی‌های انسانی، مانند شجاعت، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، جواهدردی، غیرت، پایدردی، وفاداری، فداکاری، تنها در عرصه جنگ دفاعی ظهور و بروز می‌کند یا دست‌کم در هنگام دفاع از سرزمین، ظهور برجسته‌تری می‌یابد.

ب) اگرچه معمولاً جنگ تجاوزکارانه قاعده خاصی ندارد و دشمن متجاوز هر نوع رنج

و دردی علیه دشمن خود روا می‌دارد، اما از نظر عقل، شرع و عقلا، جنگ دفاعی دارای قواعدی است که رعایت آن لازم و ضروری است. مثلاً در جنگ دفاعی، مدافعان نباید به زنان، کودکان، دیوانگان، سالمندان و بیمارانی که در تجاوز دشمن نقشی نداشته‌اند، آسیبی برسانند. همچنین آلوده کردن آب‌های دشمنان، قطع درختان و از بین بردن مزارع و حیوانات ممنوع است.

ج) هرچند در هنگامه جنگ دفاعی، رفتارهایی مانند کشتن و زخمی کردن دشمن وجود دارد، که با برخی از عواطف انسان سازگار نیست، اما در همان زمان، عواطفی مانند خشم، نفرت، خصومت و زیبایی‌هایی مانند عزت‌طلبی، غیرت‌ورزی، فداکاری و وفاداری هم وجود دارد، که نه تنها با طبع انسان سازگار است، بلکه سرشار از خیر و سود برای بشریت است. در جنگ دفاعی، سختی‌ها و مشقت‌هایی وجود دارد، که طبع راحتی‌طلب انسان آن را دوست ندارد و برای همین مایل است از جنگ اجتناب کند، اما اجتناب از مشقت‌ها و رنج‌های جنگ دفاعی، موجب گرفتار شدن انسان به مشقت‌ها و سختی‌هایی بس بزرگ‌تر و رنج‌آورتر مانند خواری، فقر، اسارت، احساس گناه، خودسرنشی و سرزنش شدن توسط دیگر انسانها است. خداوند متعال در تبیین این حقیقت، می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۱۶)؛ جنگ [با دشمن] بر شما مقرر و لازم شده، و حال آنکه برایتان ناخوشایند است و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان‌بار است؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما [منافع و مصالح خودتان را به کمال] نمی‌دانید.

«افراد سطحی که تنها ضرب و جرح و مشکلات جهاد را می‌نگرند، ممکن است آن را ناخوش داشته باشند، ولی افراد دورنگر که می‌دانند شرف، عظمت، افتخار و آزادی انسان در ایثار و جهاد است، یقیناً با آغوش باز از آن استقبال می‌کنند؛ همان‌گونه که افراد ناآگاه از داروهای تلخ و بدطعم، بر اثر سطحی‌نگری متنفرند، اما هنگامی که بیندیشند که سلامت و نجات آنها در آن است، آن را با جان و دل پذیرا می‌شوند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۲).

د) حفظ دین، ارزش‌های الهی و مراکز عبادت هم در گرو جنگ دفاعی است. اگر

مسلمانان در برابر تجاوز مشرکان در صدر اسلام نمی‌ایستادند، چیزی از اسلام و ارزش‌های الهی باقی نمی‌ماند و اسلام به دست ما می‌رسید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/ ۳۹-۴۰) به آنان که جنگ بر ایشان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شد. چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر نصرت آنها توانا است؛ هم‌آنان که به ناحق از خانه و کاشانه خود، به ناحق، اخراج شدند؛ جز آن‌که می‌گفتند: پروردگار ما الله است. و اگر خداوند بعضی از آنان (دشمنان متجاوز) را به وسیله بعضی دیگر (مدافعان وطن و دین) دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آئینش دفاع نمایند) یاری می‌کند. به یقین خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است».

براساس این آیات شریفه، مقابله با دشمن مهاجم و ستمگر، حق مشروع ستمدیدگان است و اگر در برابر دشمنان دین، مقاومت و ایستادگی صورت نمی‌گرفت، مراکز عبادت، که نمادهای دین و دینداری است، از بین می‌رفت و بشر- از نعمت رشد و تعالی معنوی و وجودی محروم می‌شد. با چنین نگاهی به جهاد و جنگ دفاعی است که امیرالمؤمنین علیه السلام، جهاد را مایه عزت اسلام معرفی می‌کند: «وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

### صلح امام حسنی

پنجم. امام حسن علیه السلام با توجه به شرایط جامعه آن روز، با معاویه صلح کردند. چرا رهبری با آمریکا صلح نمی‌کند؟ مگر کسانی که امام حسن با آنان صلح کردند، مانند رژیم صهیونیستی نبودند؟!

الف) صلح امام حسن علیه السلام با توجه به شرایط جامعه اسلامی آن روز انجام گرفت. خیانت فرماندهان سپاه و شخصیت‌های پرنفوذ سیاسی به امام و پیوستن آنان به سپاه معاویه و در نتیجه، خستگی، تضعیف شدن روحیه و پراکندگی مردم و سپاهیان امام علیه السلام در مقابل لشکر معاویه، باعث شد امام علیه السلام برای حفظ جان شیعیان و اهل‌بیت، جز آتش‌بس و صلح با معاویه راه دیگری نداشته باشد. اما امروز شرایط جامعه ما مانند شرایط جامعه زمان امام

حسن علیه السلام نیست؛ نه فرماندهان و شخصیت‌های سیاسی پرنفوذ کشور، به رهبری و ملت خیانت کرده‌اند، نه سپاه ایران از هم پاشیده، نه مردم از نظام جدا شده‌اند و نه دشمن، دست برتر را دارد. اکنون شاهد حمایت گسترده مردم از نظام و مواضع رهبر معظم انقلاب و مطالبه پاسخ قاطع و کوبنده به رژیم اسرائیل از سوی آنان هستیم. امروز فرماندهان شجاع و غیوری داریم که تا پای جان، پای کار نظام و کشور ایستاده‌اند و با حملات ویرانگر خود، خواب را از چشمان صهیونیست‌های متوهم و جنایتکار ربوده‌اند. فرماندهانی وفادار، فداکار و جان‌برکف که ستون ملت و حصن حصین کشورند.

حضرت امام خمینی با چنین شناختی از مردم ایران، در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود در توصیف ملت ایران فرمودند: «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر - حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهما هستند. در آن حجازی که در عهد رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم بود، [برخی از] مسلمانان نیز از ایشان اطاعت نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنان را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمود. آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهداء علیه السلام آن شد که شد؛ آنان که در شهادت، دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده‌ای می‌کنند. می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر - مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نه در محضر - امام معصوم

صلوات‌الله‌علیه. انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تریبیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی هستیم».

ب) صلح امام حسن علیه السلام با هدف حفظ اسلام انجام گرفت. امام با صلح خود اسلام و باقی مانده شیعیان و اهل‌بیت را از تهدید نابودی، حفظ کرد و چهره منافقانه و عهدشکن معاویه را برای جامعه اسلامی آشکار ساخت. البته مقام معظم رهبری، هم در دولت اصلاحات، هم در دولت تدبیر و امید و هم در دولت کنونی، برای اتمام حجت با کسانی که همواره تصور می‌کنند که مشکل ما با غرب، عدم اطمینان آنان از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران است و می‌توان از طریق مذاکره و گفت‌وگو با آنان، به راه‌حلی عادلانه و عزتمندانه دست یافت، اجازه دادند که مذاکره و توافق کنند. متأسفانه در دولت اصلاحات، توافق سعدآباد و در دولت تدبیر و امید، توافق برجام، صورت گرفت اما غربی‌ها به هیچ‌کدام از توافق‌های خود عمل نکردند و به مفاد توافق‌نامه‌ها خیانت کردند و حقوق ملت ایران را پایمال نمودند. در دولت کنونی نیز باز برخی از سیاستمداران و مردم گمان کردند که مشکل، مذاکره‌کنندگان پیشین بوده‌اند و اینان می‌توانند با شیطان بزرگ، مذاکره و توافق کنند، اما دیدیم که آمریکا و اسرائیل، مذاکره را پوششی برای خیانت و غافل‌گیری قرار دادند و در اوج مذاکراتی، که سیاستمداران دولتی و بخشی از مردم را در توهم رسیدن به توافق، به خواب فروبرده بود، به کشور عزیزمان حمله کردند و ناجوانمردانه، فرماندهان عالی‌رتبه، دانشمندان هسته‌ای و شماری از مردم غیرنظامی را به خاک و خون کشیده و به بسیاری از مراکز نظامی، علمی و اقتصادی ما آسیب زده‌اند.

ج) بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از اقتدار لازم برای مقابله با تهدیدها و خطرات رژیم جنایتکار صهیونیستی و اربابش آمریکای زورگو برخوردار است. امروز اگر برخی از سیاستمداران نابخرد و نادان و رسانه‌های دشمن، اذهان برخی از مردم را منحرف نکنند، دشمنان ملت ایران در موضع ضعف قرار دارند و جز پذیرش صلح عادلانه، پذیرش حقوق ملت ایران و پذیرش جمهوری اسلامی، به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای، چاره‌ای ندارند.

د) نکته دیگری که در مقایسه شرایط دوران امام حسن و دوران خودمان باید به آن

توجه کنیم، چگونگی صلح امام حسن در آن دوران و شرایطی است که ما امروز با آن مواجه هستیم. صلح امام حسن، صلحی شرافتمندانه بود. معاویه، دستکم در ظاهر، با همه شروط پیشنهادی امام حسن موافقت کرد و پذیرفت که حقوق شیعیان را تمام و کمال ادا کند و پس از خودش، کسی را جانشین خود نکند و پس از مرگش، حکومت به امام حسن برسد، اما امروز می‌بینیم که آمریکای جنایتکار و اروپای منافق، به چیزی کمتر از نابودی حقوق ملت ایران در داشتن فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، برنامه دفاعی موشکی و بسیاری از فنون و دانش‌هایی که توسط دانشمندانمان به دست آمده، راضی نمی‌شوند. پذیرش خواسته‌های غربی‌ها، جز نابودی ملت و کشور ایران و از بین رفتن همه توانمندی‌های انسانی و مادی ما نتیجه‌ای نخواهد داشت.

امروز دوران صلح حسنی، نیست؛ امروز دوران حماسه حسینی است. یا با مقاومت، صلابت و استقامت، حقوق خودمان را تثبیت و دشمن را عقب می‌نشانیم و یا با افتخار و عزت به شهادت می‌رسیم. در حال حاضر هرگونه عقب‌نشینی در مقابل غرب، به سرکردگی آمریکا و شرارت اسرائیل، به معنای نابودی تمدن ایران است.

### دخالت در امور فلسطین

ششم. برخی می‌گویند دخالت ایران در امور کشورهای دیگری مانند فلسطین، لبنان و سوریه باعث شده که اسرائیل به ما حمله کند. آیا این، سخن درستی است؟  
الف) حمایت ایران از کشورهای لبنان، فلسطین و سوریه (در دوران بشار اسد)، مبتنی بر قواعد حقوقی بین‌المللی و از خاستگاه وظیفه انسانی و اسلامی بوده است. حضور نیروهای مستشاری و حمایت مادی و معنوی جمهوری اسلامی از هیچ ملت و دولتی، بدون درخواست و رضایت آنان نبوده و نیست. جمهوری اسلامی در همه این کشورها با دعوت و رضایت آنان و برای حمایت و دفاع از آنان در برابر ظلم و تجاوز اسرائیل و گروه‌های تکفیری حاضر شده است.

حمایت ایران از فلسطین و مردم لبنان، در واقع، حمایت از مظلوم در برابر ظالم و متجاوز بوده است. ما براساس وظیفه انسانی و اسلامی به حمایت مردمان مظلوم آن کشورها پرداخته‌ایم. عدم احساس مسئولیت در برابر رنج‌های مردم فلسطین و لبنان، یعنی



چشم برهم نهادن بر غصب، تجاوز، کشتار و جنایات رژیم جنایتکار اسرائیل. کدام وجدان انسانی و فطرت آزاده و کدام ایمان اسلامی به ما اجازه می‌دهد در برابر این ظلم‌ها و جنایت‌ها ساکت و ساکن باشیم؟!

ب) علاوه بر این حقیقت مهم، واقعیت دیگری وجود دارد و آن توسعه‌طلبی تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی است. اگر محور مقاومت، به رهبری جمهوری اسلامی رژیم غاصب را در مرزهای سرزمین‌های اشغالی، محصور و زمین‌گیر نکرده بود، ملت ایران امروز باید در مرزهای خود با رژیم سفاک صهیونی مقابله می‌کرد.

امنیت ملی، بازیچه نیست. امروز آمریکایی‌ها با هدف تأمین امنیت ملی خود، به صورت نامشروع در منطقه ما حضور دارند و جنگ افروزی می‌کنند. رژیم صهیونیستی برای تأمین امنیت نامشروع خود به سوریه حمله می‌کند و بخش‌های قابل توجهی از آن را اشغال کرده و زیرساخت‌های نظامی و دفاعی آن را نابود می‌کند. در این اوضاع عجیب و پیچیده چگونه توقع داریم جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت ملی خود دست روی دست بگذارد و هیچ اقدامی نکند تا آنجا که مجبور شود با رژیم غاصب و سایر دشمنانش در مرزهای کشور روبه‌رو شود؟! تجربه ما در مقابله با گروه تروریستی داعش، که با حمایت و نقش مستقیم آمریکا و به منظور ایجاد خاورمیانه جدید، ایجاد شد، نشان داد که راهبرد امنیت‌سازی در فراتر از مرزها، راهبردی منطقی و اصولی است. تفاوت ما با آمریکا و رژیم صهیونیستی آن است که ما امنیت خود را در فراتر از مرزهایمان، به صورت مشروع دنبال می‌کنیم، ولی آنان امنیت خود را به صورت ظالمانه و جنایتکارانه دنبال می‌کنند. بهترین دلیل برای اثبات اینکه حضور ما در کشورهای دیگر به درخواست و با رضایت دولت‌های قانونی آن کشورها صورت می‌گیرد، آن است که وقتی دولت بشار اسد، از آمریکایی‌ها و کشورهای عربی فریب خورد و از جمهوری اسلامی درخواست کمکی نکرد، جمهوری اسلامی برای نجات سوریه از گروه تروریستی هیئت تحریرالشام اقدامی انجام نداد و دولت بشار با سرعت سرنگون شد. اکنون نیز که دولت غرب‌گرای لبنان، خواهان عدم اقدام جمهوری اسلامی در دفاع از لبنان است، جمهوری اسلامی تنها به حمایت معنوی و کمک‌های بشردوستانه از مردم لبنان، به‌ویژه شیعیان آن، اکتفا کرده است.

ج) این ادعا که ایران در امور کشورهای دیگر دخالت می‌کند، شبهه‌ای است که آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اسرائیل ساخته و پرداخته‌اند تا هم ایران را در مجامع بین‌المللی محکوم کنند، هم مجوزی برای تحریم، فشار و جنگ علیه ایران دست و پا کنند و هم مردم منطقه را نسبت به ایران بدبین سازند و ایران‌هراسی را دامن بزنند. درحالی‌که اولاً این خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هستند که قرن‌ها است از طریق اشغال، کودتا و فشارهای گوناگون، در امور دیگر کشورها دخالت می‌کنند. ثانیاً تاکنون هیچ دولتی در منطقه ادعا نکرده است که جمهوری اسلامی در امور داخلی آن کشور دخالت می‌کند.

د) اصلاً برفرض که ایران در فلسطین و لبنان دخالت کند، این امر چه ربطی به اسرائیل و آمریکا دارد؟! اسرائیل با چه حقی به غزه و لبنان حمله می‌کند و مردم بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد؟! آیا اسرائیل در دخالت و تجاوز به غزه و لبنان محق است، اما ایران در حمایت و دفاع از حق مشروع مردم مظلوم آن کشورها محق نیست؟!

## فهرست منابع

### نهج البلاغه

۱. امام خمینی، صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (س)، ج ۲۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۹۵/۳/۲۵
۳. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام رحمة الله علیه، ۱۳۹۸/۳/۱۴.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.
۵. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران، کوبه، ۱۳۷۱.
۶. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می نامد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر فونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۹. <https://sccr.ir/News/24576/1>

